

محورها و مؤلفه‌های قرآن کریم در خصوص زندگی اجتماعی

سمیه سلیمانی^۱

مرتضی رحیمی^۲

چکیده:

انسان به زندگی اجتماعی گرایش دارد؛ مواردی، همچون: زندگی مشترک، داشتن روابط متقابل، فرهنگ مشترک و تعهد به آن برای تحقق زندگی اجتماعی ضروری هستند؛ مؤلفه‌ها و محورهای قرآنی در حوزه‌های گوناگون، از جمله اجتماعی و نهادینه‌سازی آنها اهمیت بسزا دارند، هدف از پژوهش حاضر آشنایی با مصادیقی از مؤلفه‌های زندگی اجتماعی از نگاه قرآن و اثبات جامعیت قرآن می باشد، زیرا جامعه‌سازی و نظام‌سازی در راستای اصلاح فرد و جامعه می باشد. از این پژوهش نتیجه گرفته می شود که قرآن در مسائل اعتقادی، اخلاقی، احکام فقهی و حقوقی نیز به ابعاد اجتماعی انسان نظر کرده، مؤلفه‌های سازنده یک جامعه توحیدی و یکپارچه را برشمرده و مردم را به سوی آن‌ها توصیه نموده و از موانع، بر حذر داشته است. این امر نشانگر جامعیت قرآن در همه جنبه‌های مورد نیاز هدایت فردی و اجتماعی انسان بوده و موجب پویایی قرآن شده است. قرآن به دنبال ساختن جامعه‌ای است که محوریت آن را تقوا و سلامت فردی، تقوای اجتماعی، عدالت اجتماعی، اقتصاد اجتماعی، اخلاق اجتماعی و سلامت اجتماعی شکل می‌دهد. مهم‌ترین مؤلفه‌های اجتماعی برقراری عدالت، انفاق، فقر زدایی، حسن ظن نسبت به یکدیگر، عفو و مدارا، همزیستی مسالمت آمیز، صیانت از محیط زیست و امر به معروف و نهی از منکر هستند که عمل به آن‌ها علاوه بر بهداشت روانی و فردی، به سلامت و رشد اجتماعی نیز کمک می‌کنند. این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی انجام شده است.

کلید واژه: قرآن، محورها، مؤلفه‌ها، حوزه اجتماعی.

۱- دانشجوی دکتری دانشکده حقوق دانشگاه شیراز، گرایش جزا و جرم‌شناسی، (نویسنده مسئول) آدرس ایمیل:

s.soleimani23@gmail.com

۲- دانشیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه شیراز، بخش علوم قرآن و فقه، آدرس ایمیل: mrahimi@shirazu.ac.ir

مقدمه

اسلام کامل‌ترین و جامع‌ترین دین الهی می‌باشد و همه ابعاد و نیازهای انسان را مورد توجه قرار داده است؛ هدف از نزول قرآن، هدایت بشر است (اسراء: ۹) و هدایت مورد نظر قرآن، همه نیازهای انسانی را، در بر می‌گیرد و در حصار فرهنگ روزگار نزول و مخاطبان و نیازهای ویژه آن‌ها محدود نمی‌شود؛ زیرا جامعیت و جهانی بودن عنصر اصلی خاتمیت است و «طبق ادله بایستگی بعثت، بشر همواره نیازمند هدایت الهی است و انسان در هیچ دوره‌ای، نباید محروم از هدایت الهی (دین) باشد. اگر دین الهی ختم شود و آن دین، مخصوص زمان و یا مکان خود باشد؛ باعث محرومیت انسان‌ها و نسل‌های دیگر از دین می‌گردد و با فلسفه بعثت، منافات دارد. پس دینی می‌تواند دعوی خاتمیت داشته باشد که همگانی و جاودانه باشد» (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۲۱۴ - ۲۲۷) فی الواقع «...لازمه متعادل بودن اسلام، جامعیت آن است.» (مطهری، ۱۳۸۷: ۱۹۰)

مقصود از جامعیت قرآن، «شمول و فراگیر بودن آیات و آموزه‌های آن نسبت به همه شئون زندگی بشر در تمامی دوران‌ها و اعصار است» (مؤدب، ۱۳۹۰: ۲۳۳) «چرا که انسان ابعاد مادی و فوق مادی دارد و یک قانون جامع، قانونی است که به همه این ابعاد و نیازهای مبتنی بر این ابعاد توجه کند» (نقی پور فر، بی تا: ۲۶) لذا با توجه به آیاتی، همچون «نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (النحل: ۸۹) منظور از جامعیت قرآن، جامعیت آن در امور مرتبط با هدایت همه ابعاد وجودی انسان، از جمله بعد اجتماعی آن می‌باشد.

آموزه‌های قرآن حتی در مسائل اعتقادی، اخلاقی، احکام فقهی و حقوقی به ابعاد اجتماعی نظر دارد، حتی آیات اولیه، گرچه در مکه و قبل از تشکیل حکومت و جامعه اسلامی نازل شده‌اند، مسائل اخلاقی و احکام به صورت اجتماعی تشریح شده است. (شوری: ۳۸ و آل عمران: ۱۰۳) چنانچه امام خمینی (ره) فرموده‌اند: «... قرآن و کتاب‌های حدیث، که منابع احکام و دستورات اسلام است، با رساله‌های عملیه، که توسط مجتهدین عصر و مراجع نوشته می‌شود، از لحاظ جامعیت و اثری که در زندگانی اجتماعی می‌تواند داشته باشد به کلی تفاوت دارد. نسبت اجتماعیات قرآن با آیات عبادی آن، از نسبت صد به یک هم بیشتر است! از یک دوره کتاب حدیث، که حدود پنجاه کتاب (باب) است و همه احکام اسلام را در بردارد، مقداری از احکام مربوط به اخلاقیات است؛ بقیه همه مربوط به اجتماعیات، اقتصادیات، حقوق، و سیاست و تدبیر جامعه است.» (خمینی امام، ۱۳۹۴: ۱۱)

ضرورت مطالعه این موضوع از آن جا نشأت می گیرد که برخی تعالیم قرآن را منحصر به اعمال عبادی و فردی و نهایتاً اخلاقیات می دانند؛ حال آن که با توجه به اهمیت موضوع، عنایت به ابعاد اجتماعی انسان نیز از منظر کاملترین دین (اسلام) و تعالیم این دین مغفول نمانده است. مؤلفه اجتماعی به وظایفی اشاره دارد که فرد در ارتباط با دیگران، فراتر از خود و خانواده هسته ای خود انجام می دهد. (مظاهری و دیگران، ۱۳۹۶ش: ۱۳-۳۹)

هدف از پژوهش حاضر آن است که با بررسی نمونه‌هایی از محورهای اجتماعی مورد اشاره قرآن از یک سو با نهادینه سازی آن‌ها به ساختن جامعه توحیدی و ایده آل و ترویج سبک زندگی اسلامی کمک شود و از سوی دیگر جامعیت و پویایی قرآن را نشان دهد.

در خصوص ابعاد اجتماعی قرآن کریم، پژوهش‌هایی انجام شده است از جمله علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۲۰۰ سوره آل عمران هویت و شخصیت مستقل اجتماعی برای اسلام قائل شده و به این موضوع پرداخته، همچنین آیت الله جوادی آملی در بخشی از کتاب «جامعه در قرآن» به برخی از آیات اجتماعی قرآن اشاره کردند. اما در درباره محورها و مؤلفه‌های قرآن کریم در حوزه زندگی اجتماعی، اثر مستقل و مفصلی یافت نشد؛ از این رو پژوهش حاضر در پی آن است که به پرسش‌هایی، همچون «منظور از جامعیت قرآن در بعد اجتماعی چیست؟» «محورها و مؤلفه‌های قرآن کریم در حوزه زندگی اجتماعی چیست؟» و مانند این‌ها پاسخ گوید.

پژوهش حاضر برای پاسخ به پرسش‌های یاد شده از روش توصیفی و تحلیلی بهره گرفته است.

۲) مفهوم شناسی اصطلاحات

۱.۲) جامعیت قرآن کریم

قرآن کریم با اشاره به تبیان بودن خویش (نحل: ۸۹ و یوسف: ۱۱۱) و تفصیل دار بودنش بر جامعیت خود تأکید می کند؛ در برخی آیات، اسلام را دین جهانی معرفی کرده (انبیاء: ۱۰۷ قلم: ۵۲؛ سبا: ۲۸) و در بعضی دیگر دستورات قرآن را جاودانی و کامل می داند. (فصلت: ۴۱-۴۲؛ انعام: ۱۹؛ مائده: ۳) در روایات نیز به جامعیت قرآن اشاره شده است، چنانچه امام صادق (ع) فرموده اند: «این قرآنی که تفصیل حلال و حرام است، باید او را به نطق در آورید و مطالب خود را از او بگیریید، او سخن نمی گوید، باید از او سوال کرد و پاسخ شنید. بدانید که در قرآن دانستنی‌های گذشته و آینده تا روز قیامت است. خبر آسمان و زمین

و بهشت و جهنم است. اطلاع از حوادثی است که در پیش رخ داده یا در آینده رخ خواهد داد. من آن را می‌دانم، همانند کسی که به کف دست خود نگاه می‌کند؛ به درستی که خداوند فرموده: «فیه تبیان کل شیء» (نحل: ۸۹) (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۵) «تبیان» در قرآن، به معنای بیان همه چیز هست، ولی با توجه به این نکته که قرآن یک کتاب تربیت و انسان‌سازی است که برای تکامل فرد و جامعه در همه جنبه‌های مادی و معنوی نازل شده است در این زمینه از چیزی فروگذار نکرده است. لذا با این که قرآن یک دعوت کلی به کسب همه علوم و دانش‌ها کرده و حتی گاه گاهی به تناسب بحث‌های توحیدی و تربیتی، پرده از روی قسمت‌های حساسی از علوم و دانش‌ها برداشته است اما منظور از همه چیز، تمام اموری است که برای پیمودن این راه لازم است، نه این که قرآن یک «دایره المعارف» بزرگ است که تمام جزئیات علوم مختلف در آن آمده باشد.

بی تردید، قرآن از شرح هیچ نکته‌ای که لازمه رهیابی بشر برای رسیدن به کمال است فرو گذار نکرده است زیرا «اگر دین جامع نباشد ناقص خواهد بود؛ نه خدا دین ناقص فرو فرستاده و نه پیامبرش در رساندن پیام دین کوتاهی کرده است. (دشتی، ۱۳۸۳: خطبه ۱۸) و «خداوند تبارک تعالی قرآن را برای یک زمان قرار نداد بلکه برای یک ملت هم قرار نداد که ملت‌های دیگر هم نتوانند از آن استفاده کنند پس قرآن در هر زمانی جدید است و نزد هر ملتی تر و تازه تا روز قیامت است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ق: ۱۵) لذا از آن جا که جامعه‌سازی و نظام‌سازی، از مهم‌ترین محورهای گزاره‌های قرآنی است؛ لذا در راستای اصلاح فرد و جامعه، بخش بزرگی از اصول و کلیات مورد اشاره قرآن، در حوزه زندگی اجتماعی است که محورها و مؤلفه‌های آن در قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته است.

۲.۲ زندگی اجتماعی انسان

انسان موجودی اجتماعی است و به ناچار در اجتماع زندگی می‌کند، اما در این که منشأ و علت گرایش او به زندگی اجتماعی چیست؟ دیدگاه‌های چندی حایز اهمیت هستند، که به شکل زیر مورد اشاره قرار می‌گیرند:

الف - انسان مدنی بالطبع است:

بر اساس این نگاه انسان بالطبع تمدن‌گرا می‌باشد، لذا طالب زندگی اجتماعی است. (طوسی، ۱۴۱۳: ق:

ب- انسان مدنی بالاجبار است:

بر اساس این دیدگاه که برخی از فلاسفه مغرب زمین به آن گرایش دارند انسان بالاجبار مدنی می باشد، یعنی ضرورت‌های زندگی و حیات بشری اقتضا می کند که زندگی اجتماعی را برگزیند و گرنه ذاتاً تمایلی به زندگی اجتماعی ندارد. (شریفی، ۱۳۸۷ش: ۱۱۶)

ج- انسان مدنی بالاستخدام است:

بر اساس این دیدگاه که علامه طباطبایی به آن باور دارد، انسان به این دلیل تن به زندگی اجتماعی می‌دهد که از امکانات و توان دیگران در جهت منافع خویش بهره گیرد. (طباطبایی، ۱۳۷۱ش: ۲۶۱)

۱.۲.۲) مؤلفه‌های مورد نیاز تحقق زندگی اجتماعی:

برای تحقق زندگی اجتماعی محورهای چندی مورد نیاز هستند که عبارتند از:

(۱)- زندگی مشترک

(۲)- داشتن روابط متقابل با یکدیگر

(۳)- فرهنگ مشترک، احساس مشابیهی از عضویت، تعلق و تعهد به آن. (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۲)

با توجه به محورهای مورد نیاز تحقق اجتماعی، قرآن به عنوان یک فرهنگ مشترک و مورد احترام محورها و مؤلفه‌هایی برای زندگی اجتماعی بیان نموده که نمونه‌هایی از آنها به شکل زیر مورد اشاره و بررسی قرار می‌گیرند:

۳) محورها و مؤلفه‌های قرآن در حوزه اجتماعی

بی تردید بخش عظیمی از اصول و کلیات قرآن کریم، اجتماعی است و جنبه‌های عبادی و اخلاقی آن نیز در این راستا تشریح شده‌اند، لذا تعالیم کلی اسلام، مهم‌ترین بخش دین، یعنی بعد اجتماعی را تشکیل می‌دهند، که در جامعه قابل اجرا می‌باشند.

با نگاه به تعالیم و دستورهای قرآن می‌توان مؤلفه‌ها و محورها در حوزه اجتماعی را در دو قالب، تعالیم اجتماعی محض و تعالیمی که با وجود اجتماع جلوه و ظهور کامل دارند، بررسی کرد؛ این محورها شامل، تقوای اجتماعی، عدالت اجتماعی، اقتصاد اجتماعی، اخلاق اجتماعی، سلامت اجتماعی و... است که مهم‌ترین مؤلفه‌های آن در این راستا، فقر زدایی، اخلاق نیکو، حسن ظن نسبت به یکدیگر، حفظ کرامت انسانی، برقراری عدالت، صیانت از محیط زیست، امر به معروف و نهی از منکر و... است. از آنجا که پرداختن به همه نمونه‌های آن مجال موسع می‌طلبد، در اینجا به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

۳-۱: تقوای اجتماعی

تقوا گستره معنایی زیادی دارد و امور اخلاقی و اجتماعی و سیاسی و اقتصادی دربردارد. ابعاد فردی تقوا با ابعاد اجتماعی آن در هم تنیده است و آثار اجتماعی که در قرآن برای تقوا آمده، بیش از آثار اخلاقی و فردی است، چنانچه برخی بر این نظرند که تقوا اولاً و بالذات اجتماعی است و سپس تقوای فردی مطرح می‌گردد. (طالقانی، ۱۳۳۹: الف)

تقوا، از مصدر وقایه در لغت به معنای «حفظ کردن و نگاه داشتن از بدی و گزند» است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۷۹) در لسان روایات تقوا به معنای بجا آوردن واجبات و اجتناب از گناه (آمدی، ۱۳۷۸: ۴۶۵) آمده است از امام صادق (ع) پرسیدند که تقوا چیست؟ حضرت در پاسخ فرمودند: «تقوا آن است که خداوند تورا آنجا که دستور داده غائب ندیده و آنجا که نهی نموده حاضر نبیند. این یعنی آوردن واجبات و ترک محرمات.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۸۵) روایات مزبور گواه عرصه وسیع تقوا است، زیرا نه واجبات محدود به واجبات فردی است و نه گناهان محدود به گناهان فردی، و شامل واجبات و گناهان اجتماعی، خانوادگی، اقتصادی و... نیز می‌شود. اهل تقوا در همه عرصه‌ها «حریم نگه دار» ذات مقدس پروردگارند. در آیات قرآن واژه «تقوا» به صورت اسمی و فعلی و به عنوان صفت ۲۴۳ بار به کار رفته (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۷۵۸) است که بیانگر اهمیت تقوا در مکتب اسلام است. گاهی، تقوا شرط ایمان دانسته شده است. «وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُتُوبَكُمْ مُؤْمِنِينَ». (مائده: ۱۱۲). خداوند، دوستدار متقین (آل عمران: ۷۶؛ توبه: ۴ و ۷) و یار و مدد رسان آنهاست. (جاثیه: ۱۹)

«تقوای اجتماعی یعنی؛ تلاش برای تحقق آرمان‌های اسلامی، یک تقوای فردی داریم که از گناه پرهیز کرده و خودمان را از آتش دوزخ الهی، از آتش غضب الهی دور کنیم؛ «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِيَارَةُ» (تحریم: ۶) این تقوای فردی است. تقوای اجتماعی این است که در راه تحقق این چیزهایی که اسلام از ما مطالبه کرده است، تلاش کنیم... باید به آن آرمان‌ها پایبند بود، باید دنبال عدالت اجتماعی بود، دنبال حمایت از محرومین بود، دنبال حمایت از مظلوم بود، با ظالم و مستکبر باید مقابله کرد، زیر بار او نرفت، اینها همه مطالبات اسلامی است، اسلام اینها را از ما خواسته است؛ این جور نیست که فقط یک محاسبه‌ی عقلانی و انسانی باشد؛ تکلیف دینی است. هرکسی این چیزها را از اسلام جدا کند، اسلام را نشناخته است...» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۳/۱۴)

تقوا در رأس امور بوده (دستی، نهج البلاغه: حکمت ۴۱۰) و یکی از صفاتی است که بیش از هر چیز موجب رسیدن انسان به بهشت می شود (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۸۸)؛ چرا که تقوا، موتور متحرک خوبی‌ها و سرچشمه فضایل انسانی و سجایای اخلاقی و رفع مشکلات مردم در جامعه است، لذا پیامبر(ص) برای، به یکی از صحابه می فرماید: «اگر همه انسان‌ها به آیه «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا...» عمل کنند تمام مشکلاتشان برطرف خواهد شد». (طلاق: ۳و۲) زیرا بسیاری از تعالیم اسلام که از محورهای تقوای الهی هستند اجتماع انسانی را طلب می کند و بی وجود جامعه هرچند تحقق دارند، اما جلوه و ظهور کامل ندارند.

با توجه به قرآن و روایات کسب علم، عدم وابستگی به دنیا، مسئولیت پذیری در قبال دیگران، حسن ظن نسبت به دیگران و... از مؤلفه‌های تقوای اجتماعی هستند.

۳-۱-۱: کسب علم

علم و آگاهی از حکم خدا و تعالیم دینی و دانستن نظر شرع و عقل، از مؤلفه‌های رسیدن به تقوا و خشیت الهی است، زیرا علم با تقوا رابطه تنگاتنگ و ناگسستنی دارد چون دریافت مفاهیم و اسرار قرآنی بدون علم مشکل می باشد (آل عمران: ۷؛ سوره نساء: ۱۶۲؛ اسراء: ۱۰۷؛ حج: ۵۴ و...) لذا قرآن می فرماید: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (فاطر: ۲۸) چرا که اهل عبادت کم نیستند، اما تنها عالمان به مقام تقوا می‌رسند. در اهمیت علم همین بس که اولین آیاتی که بر پیامبر(ص) نازل شد در باره علم و خواندن بود. (سوره علق) خداوند می فرماید: «هیچگاه برابر نیستند آنانی که می‌دانند و آنانی که نمی‌دانند» (زمر: ۹) از این رو، عالی‌ترین درجه تقوا را (خشیت الهی) را منحصر به عالمان کرده است. انسانی که علم و آگاهی به تعالیم اسلامی دارد به حقانیت اسلام پی می‌برد و با رعایت توصیه‌های قرآن، حسن خلق داشته، صبور بوده، نه تنها به هم نوعانش ظلم نمی‌کند بلکه یاری‌گر آنهاست، حقوق افراد جامعه را رعایت می‌کند، که رعایت این حقوق، همان تقواست.

۳-۱-۲: حسن ظن نسبت به دیگران

در فرهنگ قرآنی، حسن ظن نسبت به دیگران از مهمترین فضائل متقین است که هم در رشد و تکامل فرد و هم در اتحاد و تکامل مادی و معنوی جامعه نقش دارد و از عوامل ایجاد امید و نشاط در زندگی اجتماعی است.

حسن ظن، ترکیبی اضافی و در لغت به معنای «گمان نیک و خوش بینی» در مقابل سوء ظن به معنای بدگمانی و بدبینی است. این واژه در اصطلاح به معنای نیک انگاری درباره خداوند، فعل و انفعالات جهان و مؤمنین است (قرشی، ۱۳۷۱: ۱۳۴). در این پژوهش پرداختن به حسن ظن نسبت به خداوند و جهان مد نظر نیست.

حسن ظن و خوش بینی بالاترین مرتبه تقوی و پرهیزکاری است (آمدی، ۱۳۷۸: ۲۲۶)؛ زیرا «اصل و ریشه حسن ظن، ایمان نیکوی شخص و صفای باطنی او است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۹۶) و «سؤظن عبادت‌ها را فاسد می‌کند و بار با عظمت گناه را سنگین می‌نماید» (آمدی، ۱۳۷۸: ۲۲۷) از سوی دیگر سوء ظن از مصادیق ظلم است و ظلم با تقوا در تضاد است. حسن ظن نسبت به بندگان خدا در بعد اجتماعی نیز بسیار مهم است؛ زیرا اگر در جامعه اسلامی افراد با تأسی از قرآن، نسبت به یکدیگر حسن ظن داشته باشند، بسیاری از مشکلات، نابسامانی‌ها، تهمت و افتراء، قضاوت‌های عجولانه و بی‌مورد و... که منشأ اغلب آن‌ها سوء ظن است، از بین می‌روند. حسن ظن در جامعه موجب ایجاد ارتباط نیکو بین مردم و از بین رفتن هراس و ایجاد مهر و محبت می‌شود (آمدی، ۱۳۷۸: ۶۶) چرا که «پندار نیک، اندوه را می‌کاهد.» (آمدی، ۱۳۷۸: ۶۵)

قرآن می‌فرماید: «ای مؤمنان از گمان‌های بد پرهیزید زیرا بعضی از گمان‌ها گناه است.» (حجرات: ۱۲) و نیز می‌فرماید: «آنچه را که نمی‌دانی از او پیروی نکن، چرا که چشم و گوش و دل‌ها همه مسئولند» (اسراء: ۳۶) البته قرآن، حسن ظن ساده انگارانه را نمی‌پذیرد و حتی در مواردی از جمله حسن ظن نسبت به دشمنان. (دستی، ۱۳۸۳: نامه ۵۳). و در امور امنیتی جامعه و خوش بینی در جامعه غیر اسلامی. (همان: حکمت ۱۱۳). حسن ظن نکوهش شده است و حسن ظن را در جایی سفارش می‌کند که هیچ دلیل آشکاری بر بدگمانی به دیگران وجود ندارد.

۳-۱-۳) عدم دل‌بستگی به دنیا

از دیدگاه قرآن دنیا متاعی بیش نیست (نساء: ۷۷) و مزرعه آخرت است، هرآنچه در آن بکاری در آخرت، برداشت می‌نمایی؛ لذا انسان متقی با الهام از قرآن و سنت پیامبر (ص)، ضمن فعالیت‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... همه مظاهر مادی را، فناپذیر می‌داند؛ این نگرش سبب می‌شود که از کینه، ثروت‌اندوزی، خودخواهی، جاه‌طلبی و... پرهیز نموده و مسائل مادی او را از کمک و مسئولیت‌پذیری در مقابل هم نوعانش باز ندارد؛ لذا هر قدر مؤمن از دل‌بستگی به دنیا فاصله بگیرد، به تقوای

حقیقی نزدیک تر می شود، چنان که علی (ع) می فرماید: «حَرَامٌ عَلَيَّ كُلِّ قَلْبٍ مُتَوَلِّهِ بِالْذُّبْيَا أَنْ يَسْكُنَهُ التَّقْوَى؛ بر هر قلب فریفته دنیا حرام است که تقوا در آن جای گیرد» لذا در لسان روایت اهل تقوا کمترین بهره مندی را از دنیا دارند و بیشترین بهره و فایده را به دیگران می رسانند. (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۳۳).

یکی از محورهای مهم زندگی اجتماعی، داشتن روحیه مسئولیت پذیری و تقوای حرفه ای است؛ یعنی هر کس در هر مسیری که حرکت می کند، کار و تلاش او باید بر اساس دانش متناسب با آن مسیر باشد، در کنار آن ارزش آفرینی نیز باید انجام شود، چون تقواست که می تواند جامعه را به سمت سلامت و سعادت پیش ببرد؛ زیرا تقوا نه تنها موجب مسئولیت پذیری در مقابل دیگران می شود، وجدان کاری افراد را نیز بالا می برد و موجب تعهد افراد به کار و وظیفه شان می شود و در انجام کارهایشان صبر، پشتکار و استقامت داشته و کار خود را نیمه کاره رها نمی کنند، زیرا کار را نوعی عبادت دانسته و بر آن ارج می نهند و از این رو موجب بهبود اوضاع اقتصادی کشور می گردند، چنان که خداوند نیز می فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ؛ و اگر مردم شهرها و آبادی ها ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند، قطعاً (درهای) بَرَكَاتِ آسمان وزمین را بر آنان می گشودیم». (اعراف: ۹۶) دادن خمس، زکات، صدقه، انفاق و قرض الحسنه و... انسان را از دل بستن به دنیا باز می دارد و او را نسبت به سرنوشت دیگران متعهد و مسئول می سازد. با توجه به این که در مجال این پژوهش نمی گنجد تنها به مهم ترین موارد پرداخته شده است.

۳-۱-۲-۱: قرض الحسنه

قرض در اصل به معنای بریدن با دندان است و اینکه به «وام» قرض می گویند از این باب است که آن قسمت از مال را از بقیه اموال جدا می کند و به دیگری می دهد که عین یا مثل آن را پس از مدتی باز گرداند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۱) و الحسنه به معنای زیبا و نیکو (قرشی، ۱۴۰۴: ۱۳۵) است؛ و اصطلاحاً بین مردم به وام گرفتن معروف است و برای آن کارمزد نباید پرداخت کنند و آن را از مصادیق دینی می دانند. در اصطلاح فقها، قرض آن است که مالی به دیگری تملیک شود به طوری که او نیز ضامن بازپرداخت عین یا مثل یا قیمت آن چیز گردد. (خمینی، بی تا: ۱۴۹) قرض چون با واژه «حسن» همراه شود، اشاره به جدا کردن مال از خویشتن و دادن آن در راه خیر است. در قرآن، واژه «حسن» صفت قرض الحسنه قرار گرفته است و قرض نیکو آن است که از مال حلال باشد و آن را با منت گذاردن و اذیت، ضایع نکند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۰۸) حدود سیزده آیه قرآن در مورد قرض سخن می گویند که بیشتر آن ها به

قید «حسن» مقید شده اند.

قرض الحسنه در اصطلاح قرآنی، معنایی جامع دارد که شامل قرض الحسنه فقهی نیز می‌شود، زیرا از منظر قرآن هر کار خیری که انسان برای خدا انجام دهد، قرض الحسنه برای اوست؛ خواه عبادت اصطلاحی باشد، مانند نماز و روزه یا انفاق مالی یا کارهای خدماتی و عام المنفعه باشد: مانند مسجد و مدرسه سازی، یا جبهه رفتن و جهاد در راه خدا. (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۵۸۷)

قرض امری مقدس، ارزشمند و پسندیده و ساز و کاری مناسب در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی است، که باعث کمک به نیازمندان و رفع مشکلات اجتماعی جامعه می‌شود، از همین رو در قرآن جایگاهی ویژه دارد؛ مغفرت و آمرزش، مشکل‌گشایی و کارگشایی، کفاره‌ی گناهان، تضاعف پاداش الهی، ذخیره‌ی آخرت، موجب استجاب دعاها، سبب جلب رحمت الهی در دنیا و آخرت و... از تأثیرات قرض الحسنه است و در مقابل گاهی عدم انفاق و یا ندادن قرض الحسنه مساوی با نابودی انسان در دنیا و رسوایی او در آخرت می‌باشد.

در اهمیت قرض الحسنه همین بس که در بعضی آیات پس از زکات و نماز، به عنوان سومین دستور ذکر شده است. (مزمّل: ۲۰) لذا مانند زکات و نماز باید در سطح وسیع و همگانی مورد توجه قرار گیرد. باید توجه داشت که خطاب آیه به عموم مردم اعم از زن و مرد است. البته قرض دادن باید با انگیزه‌ی الهی، در راستای خشنودی خدا، و به دور از ریا و بدون منت و اذیت باشد. (البقره: ۲۶۴)

تأکید مزبور برای کمک به فقرا و مستمندان به معنی پذیرفتن فقر نیست، بلکه هدف از قرض الحسنه نوع دوستی مبتنی بر ایمان با هدف تقرب به خدا بدون هیچ‌گونه سودجویی و افزون‌طلبی است، لذا تلاشی برای برکنند فقر از جامعه است.

خداوند که غنی مطلق است و دارایی‌های آسمان و زمین از آن اوست، از انسانی که نیازمند مطلق است طلب وام می‌کند و قرض و وام دادن را به خود نسبت داده (بقره: ۲۴۵) و به او وعده می‌دهد که چندین برابر به او بر می‌گرداند (حدید: ۱۱) و او را مورد اجر کریم خود قرار داده، از او تشکر می‌کند و گناهان او را می‌آمرزد (حدید: ۱۸ و مائده: ۱۲ و تغابن: ۱۷) تا ارزش این کار را بالا ببرد و مسلمانان را به این کار تشویق کند و این نهایت لطف خداوند نسبت به بندگان است. «خداوند از شما در خواست قرض کرده در حالی که گنج‌های آسمان و زمین از آن او است و بی‌نیاز و ستوده، (آری این‌ها نه از جهت نیاز او است) بلکه می‌خواهد شما را بیازماید که کدام یک نیکوکار ترید. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۵: ۲۲۵)

قرض الحسنه نه تنها یک ارزش اخلاقی است، بلکه ارزشی اجتماعی است که روحیه‌ی مهرورزی، همدلی، مواسات، تعاون و همبستگی جامعه، حاکمیت انصاف و مساوات، ایجاد محبت و مودت و مسئولیت‌پذیری و رشد عواطف انسانی را زنده می‌کند و آثار مؤثری چون اصلاح جامعه، ایجاد الفت و کاهش روح زراندوزی را به همراه دارد؛ موجب رواج نیکی‌ها در جامعه شده و روح برادری و عطوفت را زنده می‌کند و موجب مصونیت جامعه از ربا و دزدی و... می‌شود. به همین جهت در روایات اسلامی، به عنوان یکی از حقوق مؤمنان نسبت به یکدیگر یاد شده است. (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۹۶)

۲-۳) اقتصاد اجتماعی

۱-۲-۳) انفاق و فقر زدایی

یکی از عوامل انحراف و سقوط اخلاقی در هر اجتماعی، فقر می‌باشد و بسیاری از تنش‌های اجتماعی و مشکلات خانوادگی و جرم و گناه ریشه در نیاز شدید مالی دارد؛ چرا که یکی از عواملی که گاه موجب کدورت‌های خانوادگی و فردی بین دوستان و آشنایان می‌شود، مسائل اقتصادی است، یعنی چه بسا در کنار کسی که دارای توانایی مالی خوبی است، برادر و خواهر، فامیل و آشنا و دوستانی باشد که در تنگنای اقتصادی و مالی هستند، لذا خداوند متعال می‌فرماید: «در راه خدا انفاق کنید و خویشتن را به دست خویش به هلاک میندازید و نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست دارد» (البقره: ۱۹۵) قرآن کریم درصدد است تا علل انحراف‌های اخلاقی در ریشه خشکانده شود و جامعه از افتادن در ورطه هلاکت و نابودی مصون بماند، لذا با ترویج سنت‌های اسلامی، قصد پیشگیری از فقر را داشته و می‌کوشد تا در جامعه روح تعاون حاکم باشد و اغنیاء، فقرا را در اموال خود شریک دانسته و حتی برای آن‌ها قائل باشند، زیرا در چنین جامعه‌ای انحرافات چون سرقت، قتل، جنایت و... کمیاب شده و جامعه به سوی سازندگی و رشد حرکت می‌کند و در نهایت، آرامش و امنیت که در جامعه ایجاد می‌شود شامل حال همه‌ی افراد می‌گردد.

۳-۳) عدالت اجتماعی

یکی از محورها و مؤلفه‌های قرآن در حوزه اجتماعی، عدالت است؛ زیرا عدالت تنها یک امر پسندیده اخلاقی نیست، بلکه از عوامل مؤثر و مهم در زندگی و روابط اجتماعی و حتی مهم‌ترین اصل مدیریت اجتماعی است، از همین رو قرآن کریم بسیار به آن توجه کرده و برقراری عدالت را از مؤلفه‌های عدالت اجتماعی می‌داند و مسلمانان را به عدالت‌پروری، دادگری و اخلاق پسندیده، حتی با مشرکان، فراخوانده

و از ظلم و ستم برحذر می‌دارد. (حج: ۶۹؛ شوری: ۱۵) زیرا یکی از اهداف قرآن، برپایی جامعه عادلانه است و عدالت «...آن اصلی است که می‌تواند تعادل اجتماعی را حفظ نماید و همه را راضی نگه دارد، به پیکره اجتماع، سلامت و به روح آن آرامش بدهد، عدالت اجتماعی است...» (مطهری، ۱۳۸۷: ۱۱۳). به طور طبیعی کتابی که با چنین هدفی نازل شده، نمی‌تواند در مورد امور و عواملی که زمینه‌ساز تشکیل جامعه عدالت‌محور است، سکوت کند و دست‌کم در حد کلیات در باره آن سخنی نگوید.

با این که کار و تلاش در اقتصاد اسلامی و قرآنی جایگاه و منزلت داشته و نوعی شاخص برای بهره‌مندی و بهره‌برداری است؛ در عین حال، تساوی و عدالت اجتماعی حکم می‌کند که همه اعضای جامعه از رفاه حداقلی برخوردار باشند، زیرا برقراری عدالت اجتماعی از اهداف مهم اسلام است که قرآن آن را، نه تنها از وظایف پیامبر(ص) (شوری: ۱۵ و اعراف: ۲۹) و همه امت (نحل: ۹۰) بلکه هدف از ارسال رسل را، قیام مردم به عدالت بیان می‌دارد (حدید: ۲۵)؛ لذا پیامبران برای هدایت مردم و ارتقای اجتماع انسانی از جانب خداوند آمده‌اند و بی‌وجود جامعه، رسالت و اهداف ایشان ناقص و شاید عبث باشد.

عدل در همه ابعاد اسلام، چه مسائل اصولی و اعتقادی، چه مسائل فروعی و عملی ریشه دوانده و بر آن تأکید شده است. روایت شده که ذوالقرنین وقتی که بعد از سد سازی، بر قومی عادل و عامل گذر کرد، از آنان پرسید: چرا در میان شما مسکین و فقیر وجود ندارد؟ گفتند: زیرا ما عدالت اجتماعی را رعایت می‌کنیم و برای احدی تبعیض قائل نمی‌شویم. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۶) عدالت اجتماعی ارزشی است که با فراگیر شدن آن، هر صاحب حقی، به حق خود می‌رسد و امور جامعه، با تناسب و تعادل، در جایگاه شایسته و بایسته خود قرار می‌گیرد.

۳-۴: اخلاق اجتماعی

به همان اندازه که خوش خلقی و مدارای دینداران در طول تاریخ باعث گسترش دینداری در میان بشریت گشته، توسل به زور و خشونت به ویژه از سوی پیروان مسیحیت تحریف شده، اسباب دین‌گریزی و گرایش به مادیگری را فراهم نموده است، لذا یکی از محورهای قرآن مجید، اخلاق اجتماعی است که شفقت، عفو و مدارا، همزیستی مسالمت آمیز، ادای امانت و عدم پیمان شکنی از مهم‌ترین مؤلفه‌های آن هستند. که در ذیل به آن‌ها پرداخته شده است.

۳-۴-۱: شفقت، عفو و مدارا

شفقت و رأفت مردم نسبت به یکدیگر موجب الفت و دوستی میان افراد جامعه شود، اما در صورت عدم انجام آن، دشمنی و کدورت زیاد خواهد شد و در نتیجه ناراحتی‌های روحی و روانی و افسردگی در میان مردم شیوع پیدا خواهد کرد.

مدارا به معنای ملاحظت و برخورد نرم (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲۷۱) و رفق در اصل به معنای نرمی و لطافت و در مقابل «شدت و خشونت» است. (همان: ۵۹-۵۸) آیات قرآن کریم سرشار از توصیه به مدارا و رفق در روابط اجتماعی و فردی است. خداوند می‌فرماید: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره: ۸۳) و حتی جواب سلام را به طور مطلق واجب و از مسلمانان می‌خواهد که پاسخ سلام را بهتر از آن یا لا اقل به همان‌گونه پاسخ گویند» (نساء: ۸۶)

در مکتب اسلام، در مسائل شخصی به ویژه در معاشرت و همزیستی اجتماعی که در تقابل با حقوق دیگران نیست، اصل بر تسامح و نرمش و مدارا است و توسل به خشونت و شدت، جز به هنگام ضرورت تجویز نشده است. از این رو در مقام عمل، موارد عفو و مدارا به مراتب بیشتر و گسترده‌تر از موارد شدت و خشونت است. تشویق به عفو در مورد حق الناس، (بقره: ۱۷۸) عفو مجرم در صورت توبه قبل از صدور حکم در حقوق الهی، (مائده: ۳۳ و ۳۴) و... بیانگر آن است که اجرای حدود، نیز به هدف اصلاح جامعه و روابط اجتماعی است نه نماد خشونت، چنانچه حتی توسل به خشونت در برابر دشمنان نیز تنها در صورت موثر نبودن شیوه‌های مسالمت آمیز و مدارا ضرورت می‌یابد. (اعراف: ۶۰-۶۷ و مریم: ۴۲-۴۷ و طه: ۴۴ و...)

قرآن کریم هرگز مدارا و رفق را به مؤمنان محدود نساخته، (بقره: ۱۰۴) بلکه تمامی انسانها، (آل عمران: ۱۳۴) خواه مسلمان (بقره: ۲۳۷ و آل عمران: ۱۵۹ و فتح: ۲۹) یا اهل کتاب (بقره: ۱۰۹ و مائده: ۱۳) و مشرک، (جاثیه: ۱۴ و حجر: ۸۵) و نیز گنهکاران (بقره: ۱۷۸ و مومنون: ۴۹) را در جای خود نیازمند گذشت و مدارا می‌داند. زیرا این اصل در اداره امور مردم و تنظیم مناسبات اجتماعی تأثیر مهمی دارد.

۳-۴-۱-۱) آثار مثبت مدارا و عفو در زندگی

عفو و مدارا آثار مثبت فراوانی در زندگی اجتماعی انسان دارد که به مهمترین آنها اشاره می‌کنیم:

۱- تبدیل کینه‌ها و دشمنی‌ها به محبت و دوستی (فصلت: ۳۴ و ۳۵)

۲- دفع «سینه» خشم و نادانی و انتقامجویی (مکارم شیرازی، ۱۳۶۵: ۲۸۳)

۳- کسب محبوبیت در میان مردم (کلینی، ۱۴۳۹: ۲۶)

۴- امنیت (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۳ و همان: ۴۰۱) و جذب افراد به دین (یوسف: ۹۲)

۳-۴-۲) همزیستی مسالمت آمیز

زندگی اجتماعی و همزیستی در زندگی بشری امری ضروری و بدیهی است؛ که در حس کمال‌طلبی انسان ریشه دارد، قرآن به مسائل اجتماعی توجه تام دارد و همزیستی مسالمت آمیز یکی از مؤلفه‌های قرآن در حوزه زندگی اجتماعی است.

قرآن مردم را به همزیستی مسالمت آمیز دعوت و از اختلاف و دشمنی نهی کرده (حجرات: ۹) و فرموده است: «از خدا بپرهیزید و خصومت‌هایی را که در میان شماست، آشتی دهید.» (انفال: ۱) تا خداوند به شما با دیده رحمت و مغفرت بنگرد. (نساء: ۱۲۹) فی الواقع «همزیستی مسالمت آمیز» یک فکر اصیل اسلامی و نشئت گرفته از قرآن است؛ چرا که ۱۴۰۰ سال پیش وقتی مفهوم «هم زیستی مذهبی» برای بشر کاملاً نا شناخته بود، قرآن با شعار هم زیستی مسالمت آمیز دعوت خویش را به جهانیان عرضه نمود و نه تنها با صراحت کامل، نفی نژاد پرستی کرده (حجرات: ۱۳) و انبیاء و کتب آسمانی پیشین را به رسمیت شناخت (مائده: ۴۸ و نساء: ۴۷)، گفت و گو و هم زیستی مسالمت آمیز را توصیه نموده (عنکبوت: ۴۶) و اهانت به آیین‌های دیگر و کینه توزی و دشمنی نسبت به پیروان آن را مذموم شمرد. (انعام: ۱۰۸) و برای تأمین همزیستی مسالمت آمیز، راه‌های گوناگونی از جمله توجه به آزادی عقیده و فکر (بقره: ۲۵۶؛ یونس: ۹۹ و کهف: ۲۹) توجه به اصول مشترک (آل عمران: ۶۴) استقبال از پیشنهاد صلح (نساء: ۹۰)، پذیرش حقوق اقلیت‌ها (ممتحنه: ۸ و ۹)، صلح بین المللی (انفال: ۶۱ و بقره: ۲۰۸)، تعاون در مسائل بین المللی نیز سفارش نمود. (مائده: ۲)

قرآن انسان را به رعایت ارزش‌های اخلاقی در همزیستی فرامی‌خواند، تا این همزیستی اخلاقی به تربیت افراد جامعه و هم‌افزایی فضایل اخلاقی بیانجامد. که از آن به همزیستی اخلاقی تعبیر می‌شود، لذا همزیستی اخلاقی عبارت است از: «برقراری روابط با هر یک از افراد و گروه‌های اجتماعی بر مبنای ارزش‌های اخلاقی و با رویکرد تربیتی، که به هم‌افزایی فضائل اخلاقی می‌انجامد و از ترویج ردایل اخلاقی در زندگی فردی و اجتماعی می‌کاهد.» (سید پور آذر، ۱۳۹۳: ۷)

یکی از اصول مهم هم زیستی مسالمت آمیز، تساوی و برابری انسان‌ها است؛ زیرا نژادپرستی، خود برترینی و تحقیر ملت‌ها و مذاهب دیگر، موجب مشکلات فراوانی برای جامعه بشری شده است. برابری و مساوات اقتضا می‌کند که در روابط فردی و اجتماعی هر نوع امتیاز نژادی و نسبی محکوم شوند. همه مردم، صرف‌نظر از هر نوع امتیاز، همچون نژاد، رنگ، ثروت، مقام و... در خلقت مساوی بوده، جز تقوی هیچ برتری‌ای بر یکدیگر ندارند. (حجرات: ۱۳) چنانچه بسیاری از آیات خطاب به همه بشر خطاب دارند؛ مانند «یا بنی آدم» (اعراف: ۲۶، ۲۷، ۳۵ و ۱۷۱ و اسراء: ۷۰) و «یا ایها الانسان» (انفطار: ۶ و انشقاق: ۶ و...) زیرا «...در مقیاس جهانی، تلاش برای ایجاد عدالت، برابری، صلح، امنیت، و توسعه از مصادیق «بر» می‌باشد و مبارزه با سلطه، استثمار، نژاد پرستی و هر نوع تلاش برای قطع ریشه‌های تجاوز در سطح جهانی، تلاش در جهت تقوا و نزدیک تر شدن ملت‌ها به اراده و خواست خدا محسوب می‌شود و در این راه، باید از هر نوع هم کاری و تعاون که موجب فساد، تباهی و ظلم است خودداری نمایند» (عمید زنجانی، ۱۳۹۱: ۴۴۱ - ۴۶۱) برابری که قرآن مدنظر دارد هم شامل مساوات در اصل انسانیت، و هم مساوات در حقوق و اجرای قوانین می‌شود؛ چنانچه پیامبر (ص) درباره مساوات در حقوق و اجرای قوانین در فرازی از سخنانش در اجرای حد الهی بر زن سارقه‌ای می‌فرماید: «... به خدا اگر فاطمه دختر محمد به سرقت پردازد، من دستش را قطع می‌کنم. (کلینی، ۱۴۲۹: ۲۹۴) مبانی فکری چنین رفتار مسالمت‌آمیزی به این حقیقت باز می‌گردد که اسلام، جامعه و نظم سیاسی خود را براساس آزادی دینی بنیان نهاده است. (کهف: ۲۹) و کرامت انسان معیار روابط اجتماعی و سیاسی است. (اسراء: ۷۰)

خداوند، مؤمنین را در همزیستی با دشمنان به معاشرتی نیکو دعوت نموده و به بندگانش آموخته که راه مهر و محبت در پیش گیرند و حتی نسبت به دشمنانشان نیز روح مملو از مهربانی خویش را نشان داده و برخوردهای بد آنها را نیز با خوبی پاسخ گویند تا دشمنان سر سخت همچون دوستان گرم و صمیمی شوند (فصلت: ۳۴) و «کسی که تحمل بدی مردم را داشته باشد و از آنان بگذرد، این از تصمیمات شایسته است.» (فصلت: ۴۳) از این رو امام علی (ع) به مالک اشتر فرموده: «مردم دو دسته اند: یا برادر دینی تو هستند یا در خلقت با تو مساوی اند و با هر دو دسته با لطف و محبت برخورد کن.» (دستی، ۱۳۸۳: ۴۱۱) خداوند به مؤمنان فرموده: «آنهايي را که جز خدا می‌خوانند دشنام ندهید که آنان از روی دشمنی (و) به نادانی، خدا را دشنام خواهند داد.» (انعام: ۱۰۸)

آیه یاد شده نه تنها به همزیستی اجتماعی، امر کرده، بلکه بالاتر از آن به همزیستی اخلاقی نیز دستور داده است، زیرا نهی از ناسزاگویی رویکرد اخلاقی داشته و موجب حفظ کرامت انسانی آنها از سویی و خودداری آنها از لجابت و دور شدن از حق و سرکشی از سوی دیگر می شود، همچنین ممکن است سبب کاهش رذایل آنها، بلکه حصول فضیلتی در آنها شود. قرآن به اصول مشترک بین دین اسلام و ادیان الهی دیگر، اشاره نموده و صیانت عبادتگاههای اهل ذمه را از اهداف جهاد اسلامی قلمداد نموده است (حج: ۴۰) و به مسلمانان آموخته که اگر کسانی حاضر نبودند در همه اهداف مقدستان با شما همکاری کنند از پا ننشینید و بکوشید دست کم در قسمتی که با شما اشتراک هدف دارند، همکاری آنها را جلب کنید و آن را پایه برای پیشبرد اهداف مقدستان قرار دهید. (آل عمران: ۶۴)

۳-۴-۳) ادای امانت و عدم پیمان شکنی

از ویژگی‌های زندگی اجتماعی، ارتباط افراد با یکدیگر، اعتماد و وفاداری نسبت به همدیگر است. در زمینه روابط جوامع انسانی هیچ قانونی، متعالی‌تر از تعالیم قرآنی نیست و تا این حد به وفاداری و امانت داری در عهد و پیمان اجتماعی اهمیت نداده است. قرآن کریم ضمن تذکر به عدم وفاداری کافران (توبه: ۱۲)، مؤمنان را به وفاداری به پیمان‌ها میان خویش و حتی در برابر کافران سفارش می‌کند و می‌فرماید: «سوگندهای خود را حفظ کنید.» (مائده: ۸۹) «سوگندها را بعد از محکم ساختن نشکنید.» (نحل: ۹۱) و «سوگندهایتان را وسیله تقلب و خیانت در میان خود قرار ندهید» (نحل: ۹۴)

در قرآن کریم امانتداری و رعایت امانت از صفات و خصلت‌های انسان‌های با ایمان معرفی شده (مؤمنون: ۸ و انفال: ۲۷) و خداوند فرموده: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا؛ خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بدهید» (نساء: ۵۸) این فرمان شامل همه امانت‌ها و تعهدها می‌شود و در مقابل، قبیح خیانت تا آن جا است که در فرهنگ قرآن، اگر اموال و منافع و اولاد انسان به خطر بیفتد، نباید به خاطر آن‌ها خیانت کرد؛ چنان که خداوند فرموده: «بدانید اموال و اولاد شما وسیله‌ی آزمایش هستند.» (انفال: ۲۸) و نیز فرموده است: «در میان اهل کتاب، کسانی هستند که اگر ثروت زیادی به رسم امانت به آن‌ها بسپاری، به تو باز می‌گردانند و کسانی هستند که اگر یک دینار هم به آن‌ها بسپاری، به تو باز نمی‌گردانند، مگر تا زمانی که بالای سر آن‌ها ایستاده باشی؛ این به خاطر آن است که می‌گویند: ما در برابر اُمّیین (غیر یهود) مسؤل نیستیم» (آل عمران: ۷۵)

این آیه‌ی در ذم برخی از یهودیان است که عقیده داشتند که مسؤل حفظ امانت‌های دیگران نیستند و

اموال دیگران برای آن‌ها حرمتی ندارد؛ و آنان از هر گونه خیانت، تعدی و تجاوز به حقوق دیگران ابایی نداشتند. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۵: ۶۲۰) بی شک گروهی هم که در زمان ما با سرنوشت مردم دنیا بازی می‌کنند و از هیچ تجاوزی به حقوق انسان‌ها دریغ نمی‌ورزند و همه ی مقررات را بازیچه ای قرار می‌دهند تا رفاه و منفعت شخصی خود را تأمین کنند، استدلالی اسرائیلی دارند.

امانت از حقوق انسانی و از آن امانت‌گزار است؛ در هیچ امانتی، نباید خیانت کرد. بلکه باید نسبت به همه ی افراد جامعه ی انسانی امین بود و در ادای امانت هیچ یک از جنبه‌های نژادی و شخصی را نباید در نظر گرفت. گرچه کم باشد؛ علی (ع) می‌فرماید:

«سوگند به خدا! از رسول خدا (ص) در ساعات آخر عمرشان شنیدم که سه بار فرمودند: «ای ابوالحسن! امانت را به صاحبش برگردان، خواه او خوب باشد یا بد، آن امانت کم باشد یا زیاد، حتی اگر نخ و سوزن باشد.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۷۳) و تفاوتی میان انسان‌ها نیست و امانت‌گزار چه انسان نیکوکار باشد چه بدکار، چه مؤمن باشد، یا کافر، امانت باید به صاحبش بازگردانده شود. (کلینی، ۱۴۲۹: ق ۱۳۶) زیرا امانت داری پایه ی اعتماد و اطمینان در جامعه و موجب حیات و قوام آن است و وجود اعتماد و اطمینان در جامعه در سالم سازی محیط، برقراری امنیت و آزادی و .. تأثیر بسزایی دارد و اگر در جامعه گسترش یابد، کار به دست اهل آن سپرده می‌شود، امانت‌ها به صاحبان اصلی آن برگردانده، پیوند میان افراد اجتماع را محکم تر کرده و مردم در خیر و سلامت زندگی می‌کنند و در رحمتند. چنانچه پیامبر (ص) می‌فرماید: «امت من همیشه در خیر و سلامت است تا زمانی که به یکدیگر خیانت نورزند و ادای امانت کنند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۲) و نیز امام کاظم (ع) می‌فرماید: «تا وقتی که زمینیان به یکدیگر محبت کنند و امانت دار باشند و به حق عمل نمایند مورد رحمتند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱۷) در اهمیت امانت داری همین بس که پیامبر (ص) می‌فرماید: «به بسیاری نماز و روزه و زیادی حج و کارهای نیک و ناله‌ی شبانه‌ی مردم ننگرید، بلکه به صدق و راستی گفتار و ادای امانت بنگرید» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۶۹) و امام علی (ع) بدترین مردم را کسی می‌داند که به امانت معتقد نباشد و از خیانت پرهیز نکند. (آمدی، ۱۳۷۸: ۱۱۷۵)

منابع اسلامی تأکید می‌کنند که کسی که امانت‌دار نیست، بی‌دین می‌باشد. (ابن اشعث، بی تا: ۳۶) و حتی از قصاص در خیانت در امانت، نهی شده است (کلینی، ۱۴۲۹: ۹۸) چنانچه امام سجاد(ع) به شیعیان خود می‌فرمود: «شما را سفارش می‌کنم به ادای امانت، سوگند به آن کس که محمد را بحق به پیامبری

مبعوث کرد، اگر قاتل پدرم حسین (ع) همان شمشیری که با آن پدر مرا کشت به من امانت بسپارد، آن را به وی بر می‌گردانم» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۲۴۶)

اموال، مسئولیت‌ها، سرمایه‌های طبیعی و انسانی و... همه امانت‌های الهی است که به دست افراد مختلف در اجتماع سپرده می‌شود، و همه موظف هستند که در حفظ این امانات و تسلیم کردن آن به صاحبان اصلی آن بکوشند، و به هیچ وجه در این امانت‌ها خیانت نشود.

۳-۵) سلامت اجتماعی

سلامت اجتماعی از زوایای مختلف قابل بررسی است و با این که سلامت اجتماعی بیشتر در حوزه پزشکی مطرح است و قرآن کریم در این باره مباحث عمیق و بسیاری دارد؛ اما منظور از سلامت اجتماعی در این پژوهش علاوه بر سلامت جسمی، سلامت محیط اجتماعی و روابط اجتماعی میان افراد را نیز در بر می‌گیرد؛ سلامت ابعاد مختلفی دارد که بیشتر بر ابعاد فردی آن تأکید می‌شود اما آنچه سلامت یک جامعه را تعیین می‌کند شاخص‌هایی است که به عنوان سلامت اجتماعی شناخته می‌شوند. سلامت اجتماعی دارای ابعاد مختلف است که این ابعاد مختلف سلامت جامعه بر یکدیگر نیز تأثیر می‌گذارند. بی‌تردید اعتقادات و باورهای مردم یک جامعه می‌تواند نقشی موثر داشته باشد. بیکاری، فقر، فساد، بی‌عدالتی از عواملی هستند که تهدیدی جدی برای سلامت اجتماعی جامعه هستند. اما یکی از مهمترین تلاش‌هایی که می‌تواند موجب سلامت اجتماع در حوزه اجتماعی شده و از بروز مشکلات حال و آینده بکاهد و در قرآن به آن توجه ویژه‌ای شده است، صیانت از محیط زیست و اجرای فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر است.

۳-۵-۱) صیانت از محیط زیست

امروزه تخریب بی‌رویه جنگل‌ها، بیابان‌زایی، خشکاندن تالاب‌ها، شکار حیوانات در حال انقراض، آلودگی منابع آبی و هوا چنان گسترده شده است که سلامتی و حیات انسان و سایر موجودات زنده را به خطر انداخته است و یکی از تهدیدات عمده علیه حیات بشر و نسل آینده او به شمار می‌رود. قرآن، بین انسان و محیط زیست، جدایی قائل نیست و آنها را مکمل یکدیگر می‌داند، بیش از ۷۵۰ آیه قرآن مربوط به توجه به طبیعت و خداشناسی از راه جهان است و حفاظت از محیط زیست یک وظیفه‌ی دینی تلقی می‌شود.

قرآن کریم ضمن بیان نظم و تعادل در طبیعت، جهان طبیعت را آیات الهی معرفی و نه تنها انسان را از تجاوز به آن منع کرده (الرحمن: ۷ و ۸) بلکه انسان را به عمران زمین و آباد کردن آن سفارش می‌کند (هود: ۶۱) و همچنین در آیات مکرری به عدم اسراف و استفاده بی رویه از منبع آبی هشدار می‌دهد (اعراف: ۳۱)، زیرا خداوند، طبیعت را هدفمند و هدفدار خلق و تمام مخلوقات را به لحاظ کمیت و کیفیت به اندازه و متناسب آفریده است (قمر: ۴۹) لذا نابسامانی‌های موجود در طبیعت و آلودگی‌های زیست محیطی ناشی از بهره‌وری نادرست از طبیعت و منابع آن است.

در قرآن کریم، هر گونه رفتاری که منجر به فساد در عرصه محیط زیست شود نهی شده است و از نابود کردن و تخریب محیط زیست به عنوان اعتداء (تجاوز) نام برده شده است و کسانی که رفتار ناشایست نسبت به محیط زیست داشته باشند، از رحمت و محبت خداوند محروم خواهند بود. (مائده: ۸۶)

۳-۵-۲) امر به معروف و نهی از منکر، جامع ترین برنامه سلامت اجتماعی قرآن

خداوند برای حفظ اتحاد و اصلاح جامعه، همه افراد جامعه را در برابر یکدیگر مسؤول قرار داده تا همگان به نقشی که در تشکیل جامعه دارند، توجه کنند، لذا به هر مرد و زنی حق نظارت بر همگان را عطا کرده و آنان را موظف به نظارت دقیق بر اعمال خود و دیگران، امر به نیکی‌ها و مبارزه با منکرها نموده است. (توبه: ۷۱) لذا «در زمینه‌ی مسائل اجتماعی شاید هیچ خطابی به مردم شدیدتر، غلیظتر، زنده‌تر و پر هیجان‌تر از خطاب امر به معروف و نهی از منکر نیست... اگر معنای امر به معروف و نهی از منکر و حدود آن برای مردم روشن شود، معلوم خواهد شد یکی از نوترین، شیرین‌ترین، کارآمدترین و کارسازترین شیوه‌های تعامل اجتماعی، همین امر به معروف و نهی از منکر است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۴۲)

امروزه موضوع امر به معروف و نهی از منکر نقش فراوانی در زمینه‌ی مسائل اجتماعی، اصلاح روابط اجتماعی و محیط زندگی مسلمانان خواهد داشت؛ زیرا زندگی اجتماعی با وجود ثمرات فراوانی که دارد، می‌تواند با آسیب نیز همراه باشد و بی توجهی شخص در برابر خطاهای آشکار دیگران، دیر یا زود به زیان او پایان می‌یابد. لذا اسلام، برای تضمین سلامت جامعه با طرح امر به معروف و نهی از منکر مؤثرترین ابزار برای رسیدن به این هدف بزرگ را پیش‌بینی کرده است؛ چنانچه امام باقر (ع) می‌فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر، روش پیامبران و راه و رسم صالحان است که به سبب آن واجبات دینی، برپا شده و راه‌ها، امن و خرید و فروش مردم حلال، حق کشی‌ها برطرف، زمین آباد و حق از دشمنان ستانده و امر حکومت پایدار می‌شود» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۳۹) «امر به معروف و نهی از منکر از مهم ترین

واجبات الهی، فروع دین و از آموزه‌های فقه اجتماعی اسلام، بلکه مهم‌ترین مشخصه آن است. انجام این دو فریضه ضامن گسترش ایمان و اجرای همه قوانین فردی و اجتماعی می‌باشد» (مکارم شیرازی، ۱۳۶۵: ۴۸)؛ زیرا رشد و کمال انسان‌ها تنها در محیط و اجتماع سالم، امکان پذیر است. افراد یک اجتماع سالم، مانند جریان خون در رگ‌های یک بدن، در زندگی اجتماعی و سامان بخشیدن به زندگی سالم و پاک یکدیگر سهیمند و بی تفاوتی نسبت به یکدیگر، بی رنگی و مرگ تدریجی جسمی و معنوی را در پی خواهد داشت، لذا مسأله امر به معروف و نهی از منکر ضرورت پیدا می‌کند، چرا که فلسفه‌ی تشریح این دو واجب شرعی؛ تحرک و پویایی جوامع اسلامی بر محور رشد اجتماعی است. از این رو امام علی (ع) از کسی که منکرات را با قلب و زبانش نکوهش نکند، تعبیر به «میت بین الأحياء» (دستی، ۱۳۸۳: ۵۱۵) می‌نماید.

عمل به امر به معروف و نهی از منکر، سبب تشویق نیکوکاران، آگاه کردن افراد جاهل، هشدار برای جلوگیری از خلاف و ایجاد نوعی انضباط اجتماعی شده و در مقابل ترک، سکوت و بی تفاوتی نسبت به آن منجر جرأت پیدا کردن گنهکار به تثبیت امور ضد اخلاقی رشد فساد و در نهایت تسلط افراد فاسد و مفسد بر مردم خواهد شد. لذا امر به معروف بزرگترین مسئله‌ی اجتماعی است که تنها در قرآن به آن پرداخته شده و جایش در ادیان دیگر خالی است.

مایکل کوک (نویسنده انگلیسی - امریکایی و محقق برجسته تاریخ اجتماعی اسلام) کتابی در باب امر به معروف و نهی از منکر و بررسی این فریضه در قرآن و حدیث نگاشته اند که به گفته خودشان تألیف آن پانزده سال طول کشیده و برنده چندین جایزه کتاب بین المللی شده است. کوک در مقدمه این کتاب تحقیقی که در آن از ۱۷۰۰ منبع سود جسته است، به تفصیل درباره انگیزه خود از تألیف آن سخن گفته است. «در شب پنج شنبه ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۸، یک زن در ایستگاه قطار محلی در شیکاگو در حضور چندین تن مورد تجاوز قرار گرفت. سیمای برجسته این رویداد این بود که هیچ کس برای یاری به وی واکنشی از خود نشان نداد و به فریادهای او که از آنان یاری می‌خواست، توجهی نکرد فریادهای زن بی‌پاسخ ماند و رهگذران جز تماشا یا عبور سریع کاری نکردند. تا این که بالاخره از میان جمع حاضرین تنها یک رهگذر جوان به نام رندی کالز پس از فریادهای مکرر زن که مورد تجاوز قرار گرفته بود به تعقیب متجاوز پرداخت، جلو ماشین پلیس را گرفت و برای دستگیری متجاوز از آنها کمک خواست. این واقعه دلخراش در روزهای بعد مورد توجه روزنامه‌ها قرار گرفت و چندین گزارش چاپ شد. کالز انگیزه‌ی کار

خود را به این صورت بیان کرده بود: «برای کمک به آن زن باید کاری می کردم او می توانست مادر، عمه، خاله یا یکی از دوستان مادرم باشد»... برایم این پرسش مطرح شد که چرا اکثر مردم ساکت بودند؟ همین که یک نفر اقدام کرد و بعد هم مورد تحسین قرار گرفته، نشان می دهد که زمینه‌ای برای مداخله به صورت یک اصل اخلاقی و اجتماعی وجود دارد. کوک می نویسد: کسی نمی تواند کناری بایستد و فردی را به چشم ببیند که این گونه با او رفتار می شود. باید کسی کاری کند و واکنشی از خود نشان دهد و یا دلیل خاصی برای عدم اقدام داشته باشد. به سخن دیگر، مفهوم روشنی داریم که گونه ای وظیفه است. با آن که در زندگی روزانه ما نامی از این وظیفه نداریم. .. این ارزش است... خواه درک کنیم یا نه؛ ولی در حقیقت کاملاً خوب می فهمیم که فرهنگمان نیاز هیچ طرز گفتار ساخته و پرداخته ای از درکمان را برطرف نمی سازد... در فرهنگ غربی جای چنین وظیفه ای خالی است. .. گمشده خویش را در فرهنگ اسلامی پیدا کردم. من تا هنگامی که برای پژوهش در اسلام کار نکرده بودم، از این مسأله آگاهی نداشتم. اسلام تعالیمی ویژه و گسترده برای این وظیفه اخلاقی و اجتماعی دارد که نام آن «امر به معروف و نهی از منکر» است. (کوک^۱، ۱۳۹۱: ۱۵-۱۸)

۳-۲-۱) آثار اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر موجب مصلحت عامه بوده و آثار اجتماعی فراوانی چون توانمندی مؤمنان و تضعیف جبهه نفاق، قوام حکومت، آبادانی و برکت، نجات از بلایا، عزت و سربلندی، برقراری عدالت و امنیت اجتماعی و... به همراه دارد. که در ذیل به اهم آنها پرداخته می شود.

۳-۲-۱) برقراری عدالت و امنیت اجتماعی

برقراری عدالت و امنیت اجتماعی دو مقوله‌ی اساسی است که هر جامعه ای برای پویایی خویش به آنها نیازمند است و در هر نظام اجتماعی اولویت در جامعه را به خود اختصاص می دهند. از آثار مهم امر به معروف و نهی از منکر و نظارت عمومی بر حسن اجرای احکام، زمینه برقراری عدالت و امنیت است؛ زیرا سایر آثار اجتماعی این فریضه، مثل باز پس گرفتن حقوق پایمال شده افراد، مبارزه با تبعیضها، بقای جامعه و... همگی در راستای برقراری امنیت در جامعه، قرار می گیرند (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۳۹۵) وجود امنیت اجتماعی در جامعه بسیار مهم است؛ زیرا اگر در جامعه ای، امنیت نباشد، کسب و کار و تجارت بی

۱-Michael. Cook

عنوان کتاب ایشان به انگلیسی عبارت است از:

رونق بوده و امور مختلف فرهنگی، اقتصادی و سیاسی سامان نمی‌یابد. اگر محیط جامعه امن نباشد، اموال و نوامیس مردم هر لحظه مورد تعرض قرار گرفته و ترس و آشفتگی بر جامعه سایه افکنده و آرامش عمومی از بین خواهد رفت. لذا خداوند به کسانی که ایمان بیاورند و عمل صالح انجام دهند وعده می‌دهد که دین و آئینی را که برای آن‌ها پسندیده پا برجا و ریشه دار خواهد ساخت و خوف و ترس را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند (نور: ۵۵) و آن‌ها کسانی هستند که هرگاه در روی زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم نماز را برپا می‌دارند و زکات را ادا می‌کنند و امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایند و در تمام این امور یاد شده هدفشان خداست. (حج: ۴۱)

۳-۵-۲-۱-۲) حفظ وحدت اجتماعی

«با توجه به این که قرآن در سوره آل عمران در آغاز انسان را به وحدت اجتماعی از پرتو اعتصام به حبل الله دعوت می‌کند و به دنبال آن وظیفه نظارت همگانی را مطرح می‌نماید. استفاده می‌شود که اگر امر به معروف و نهی از منکر نباشد، عوامل مختلفی که دشمن بقای وحدت اجتماعی هستند، همچون موربانه، از درون ریشه‌های اجتماع را می‌خورند و آن را متلاشی می‌سازند بنابراین حفظ وحدت اجتماعی بدون نظارت عمومی ممکن نیست» (جوادی عاملی، ۱۳۸۵: ۲۸) زیرا «یک فرد گنهکار، در میان مردم همانند کسی است که با جمعی سوار کشتی شود، و به هنگامی که در وسط دریا قرار گیرد تبری برداشته و به سوراخ کردن موضعی که در آن نشسته است پردازد، و هر گاه به او اعتراض کنند، در جواب بگوید من در سهم خود تصرف می‌کنم! اگر دیگران او را از این عمل خطرناک باز ندارند، طولی نمی‌کشد که آب دریا به داخل کشتی نفوذ کرده و یکباره همگی در دریا غرق می‌شوند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۶۵ ش: ۳۷)

۳-۵-۲-۱-۳) شکوفایی و توسعه ی اقتصادی

یکی از اهداف قرآن کریم «توسعه ی اقتصادی کشور، به نحو شاخص و چشمگیر است. برخلاف تصور برخی، که همه دغدغه اسلام را معطوف به نیازهای معنوی مردم می‌دانند، شکوفایی و توسعه اقتصادی نیز از اهداف اسلام است. اقتصاد سالم منوط به امر به معروف و نهی از منکر است، زیرا با این دو فریضه است که راههای صحیح کسب و تجارت و پیشرفت صنعت، هموار گشته و هر کسی درخور استعداد خویش به امرار معاش می‌پردازد و بیکاری، گرانفروشی، احتکار و سایر انحرافات اقتصادی ریشه کن شده و اقتصاد شکوفا می‌گردد. توضیح آن که از آن جا که برخی افراد به دلایلی از جمله عدم آگاهی، تربیت

غیر صحیح و... برای کسب درآمد به هر راهی متوسل می شوند و برایشان هم فرقی ندارد که این درآمد از راه‌های غیر شرعی چون تقلب، رشوه، احتکار، و... به دست آمده باشد؛ بی توجهی به این دست از خلاف کاری‌ها، سبب رواج درآمدهای نامشروع در بین مردم و رخنه لقمه‌های حرام در زندگی افراد می‌شود که زیان‌ها و آسیب‌های جبران ناپذیری را به دنبال خواهد داشت.

باید از راه امر به معروف و نهی از منکر، ناآگاهان را به شغل‌های حلال و درآمدهای مشروع آگاه ساخت، زیرا وقتی شخصی می‌بیند که جامعه به عنوان یک منکر به شغل آنان نگاه می‌کند، خود به خود به دنبال کسب و کارهای حلال و درآمدهای مشروع خواهند رفت؛ چنانچه پیامبر (ص) به ابن مسعود می‌فرماید: «در بازارها با گناه کاران معامله نکنید!» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۲۱۰) اگر مسلمانان به همین جمله عمل کنند، یعنی بر ضد گناهکاران اعتصاب کنند، گناهکاران به ناچار تجارت خود را اصلاح خواهند کرد.

نتیجه گیری:

نگرش اجتماعی اسلام بر همه آموزه‌های آن حاکم است؛ زیرا وظیفه اصلی قرآن، رساندن مردم به کمال است و لازمه‌ی آن، بیان همه مسائلی است که به نوعی در عروج یا سقوط بشر تأثیر دارد؛ خواه در زمینه ابعاد فردی یا اجتماعی باشد.

از آنجا که جامعه از ترکیب افراد ساخته شده است، دستورات اسلام که به جنبه فردی شخصیت انسان اشاره دارند، به نوعی برای تحقق زندگی اجتماعی نقش مهم و بسزایی دارند.

قرآن به عنوان فرهنگ مشترک، مردم را به زندگی اجتماعی تشویق نموده و با بیان مؤلفه‌هایی از زندگی اجتماعی، افراد را در برابر اجتماع و جامعه مسؤول دانسته و سبک خاصی از زندگی اجتماعی را ارائه می‌کند.

جامعیت قرآن در حصار فرهنگ روزگار نزول و مخاطبان و نیازهای ویژه آن زمان محصور نمی‌شود، بلکه نیازهای جوامع در عصرهای مختلف را مورد توجه قرار داده است، همین امر موجب شادابی قرآن و کهنه نشدن آن شده است.

با توجه به آن که دنیا مزرعه آخرت می‌باشد، از نگاه آموزه‌های قرآنی، بین سعادت اخروی و زندگی اجتماعی رابطه تنگاتنگ است و دستیابی به سعادت آخرتی از طریق پرداختن به مسائل دنیوی در چارچوب آموزه‌های اسلامی میسر می‌شود، از این رو حتی اگر هدف دین را تأمین سعادت آخرتی، رابطه

انسان و خدا و تقویت معنویت و عبودیت بدانیم، قلمرو آن مسائل اجتماعی را در بر می‌گیرد؛ زیرا میان هر فعالیت فردی و اجتماعی انسان و سعادت اخروی وی، رابطه‌ای مثبت یا منفی وجود دارد که دین باید شکل صحیح انجام دادن آن کار را تعیین کند.

قرآن به دنبال ساختن جامعه‌ای است که محورهایی، همچون: تقوای اجتماعی، عدالت اجتماعی، اقتصاد اجتماعی، اخلاق اجتماعی و سلامت اجتماعی آن را شکل می‌دهند و مهم‌ترین مؤلفه‌های آن در این راستا، برقراری عدالت، انفاق و فقر زدایی، حسن ظن نسبت به یکدیگر، عفو و مدارا، همزیستی مسالمت‌آمیز و صیانت از محیط زیست است؛ با توجه به اجتماعی بودن انسان اسلام علاوه بر آن که قوای حکومت اسلامی را حافظ و مراقب همه شعائر دینی و حدود آن کرده، دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از تمامی منکرات را بر عموم واجب نموده و آن را هدف مشترکی برای حفظ وحدت اجتماعی برای جامعه اعلام نموده است.

منابع:

قرآن کریم.

نهج البلاغه (۱۳۸۳ش). ترجمه محمد دشتی، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین.

آمدی، عبد الواحد (۱۳۷۸ش). **غرر الحکم ودر الکلم**. ترجمه رسولی محلاتی، هاشم، تهران: انتشارات دفتر فرهنگ اسلامی.

ابن اشعث، محمد بن محمد، (بی تا). **الجعفریات** (الأشعثیات)، تهران: مکتب حدیث نینوا.

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۶ش). **الأمالی**. تهران: کتابچی. چاپ ششم.

ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). **معجم مقاییس اللغه**. قم: مکتبه الاعلام الاسلامی.

جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۶ش). **شریعت در آئینه معرفت**، قم: مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی. نظارت عمومی، مجله پاسدار اسلام. آذر ۱۳۸۵، ش ۳۰۰.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). **وسایل الشیعه**، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰)، **بیانات**، اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه.

خمینی امام، روح الله. (۱۳۹۴ش)، **ولایت فقیه**، تهران، ناشر تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

خمینی امام، روح الله. (۱۳۷۸ش)، **صحیفه امام**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

خمینی امام، روح الله. (بی تا). **تحریر الوسيله**. تهران، دارالعلم.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق) **مفردات فی غریب القرآن**، دمشق، بیروت: دارالعلم و الدار الشامیه.

ری شهری، محمد. (۱۳۷۵ش). **اهل‌البیت فی‌الکتاب و السنه**. قم، دارالحدیث.

- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۱۸ق). **الکشاف عن حقایق التنزیل**. الرياض، مکتبه العیبکان.
- سیاح، احمد (بی تا). **فرهنگ بزرگ جامع نوین**. انتشارات کتابفروشی اسلام.
- سید پور آذر، حسن. (۱۳۹۳ش). «**محبت ورزی در همزیستی از منظر قرآن**» مجله اخلاق و حیانی. دوره ۴، شماره ۶، بهار و تابستان ۱۳۹۳، صفحه ۵۲۴
- شریفی، احمد حسین (۱۳۸۷ش). **آیین زندگی**، تهران، دفتر نشر معارف.
- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۸۵ش). **روان شناسی رشد**، تهران، نشر اطلاعات.
- صدیق سروستانی، رحمت الله (۱۳۸۷ش). **آسیب شناسی زندگی اجتماعی**، تهران، سمت.
- طالقانی، سید محمود. (۱۳۳۹) مقدمه بر کتاب «**محوالموهوم صحوالمعلوم یا راه تجدید عظمت و قدرت**» سید اسدالله موسوی میراسلامی معروف به خارقانی، تهران: انتشارات کیهان.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. تهران، انتشارات فراهانی.
- طوسی، شیخ، محمد بن حسن. (۱۴۱۳ق). **التبیان فی تفسیر القرآن**. قم، مؤسسه نشراسلامی.
- طوسی، نصیر الدین محمد. (۱۴۱۳ق). **اخلاق ناصری**، تهران، علمیه اسلامی.
- عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۹۱ش). **بایسته های فقه سیاسی**. تهران، مجد.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۰۶ق). **الوافی**، اصفهان، کتابخانه امام امیر المؤمنین (ع).
- قرشی، سیدعلی اکبر (۱۴۰۴ق) **قاموس قرآن**. تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق). **الکافی**، قم، دار الحدیث للطباعة و النشر.
- کوک (۱۳۹۱). امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی، ترجمه احمد نمایی مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- مؤدب، سیدرضا. (۱۳۹۰) **مبانی تفسیر قرآن**. تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). **بحار الانوار**، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۷ش). **مجموعه آثار**، تهران، انتشارات صدرا.
- مظاهری، حسین و رحیمی، داریوش و ابراهیم پور سامانی، جمشید (۱۳۹۶ش)، «**مؤلفه ها و شاخص های سبک زندگی اسلامی**»، مجله مطالعات تاریخ و تمدن ایران و اسلام، شماره ۶، ص ۱۳۳۹
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۶۵ش). **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- نقی پور فر، ولی اله. (بی تا). «**جامعیت و کمال قرآن**»، مجله پاسدار اسلام، شماره ۲۴۵.
- نوری، میرزاحسین (۱۴۰۸ق)، **مستدرک الوسائل**، چاپ اول، مؤسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی